



شب مردان خدا

سید محمد ضیاء آبادی



سرشناسه : ضیاء آبادی، محمد، ۱۳۰۹
 عنوان و نام بدیده آورو : شب مردان خدا/ محمد ضیاء آبادی
 مشخصات نشر : تهران دارالتقافه، ۱۳۸۴
 مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص.
 شابک : ۸۰۰۰ ریال: ۱۱-X-90371-964 ؛ چاپ دوازدهم: 0-1-17309-964-978
 وضعیت فهرست نویسی : فاپا
 یادداشت : این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
 یادداشت : چاپ یازدهم
 یادداشت : چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶
 یادداشت : چاپ سیزدهم : ۱۳۹۰ (فیا)
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس
 موضوع : نماز شب
 رده بندی کنگره : ۱۲۸۴ ۳۳۹ BP۱۸۷/۷
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۵۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۴۵۸-۸۴م

نشر دارالتقافه

نام کتاب : شب مردان خدا

مؤلف : سید محمد ضیاء آبادی

چاپ دوازدهم : ۱۳۹۰

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی : چاووش

چاپ : صاحب کوثر

مرکز پخش : تهران - خیابان سمیه - پلاک ۱۷۳ بنیادبعثت

تلفن ۸۸۸۲۲۳۷۴ ص.پ ۱۳۶۱ - ۱۵۸۱۵

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

ISBN: 978-964-90371-1-0

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۳۷۱-۱-۰

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

«يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمْ بِاللَّيْلِ»

مَرْمَل: ١

«شَرُّ الْمُؤْمِنِ صَلَوَتُهُ بِاللَّيْلِ»

(امام صادق علیه السلام / صفحه ٧٣ همین کتاب)

«شب مردان خدا» روز جهان افروز است

روشنان را بحقیقت شب ظلمانی نیست

فهرست

- مقدمه ۱۱
- لذت عبادت ۱۱
- به ویژه به هنگام شب ۱۴
- انس علی علیه السلام با «شب»! ۱۴
- شایسته شان پیران علی علیه السلام! ۱۵
- ترغیب نسل جوان به «عبادت حق»، وظیفه است! ۱۷
- در دل شب برخیز ۱۹
- رمز تهی دستی انسان در روز جزا ۲۰
- دشمن ترین مردم در نزد خدا! ۲۱
- ای انسان! بخواه مانده مغرور!! ۲۱
- هشدار که خروس از تو هشیارتر نباشد! ۲۲
- دروغ می گوید آنکسی که ۲۴
- نزدیک ترین ساعات انسان به خدا ۲۶
- ظلمت شب برای بیدار دلان نورآفرین است ۲۸
- حوران بهشتی در انتظار شب خیزان ۳۳

- حال ای عزیز، هم اکنون بپاخیز! ۳۴
- توصیه مکرر امیر مؤمنان علیه السلام ۳۵
- گریه حضرت در بازار بصره ۳۶
- قرآن عظیم، کلامی بس سنگین و گران است! ۳۷
- آمادگی برای تحمل بار سنگین قرآن، و شب‌زنده‌داری ۴۰
- نبیل به «مقام محمود» نیز در گرو شب‌خیزی و «تهجد» ۴۱
- «نماز شب» و طمأنینه نفس و حال یقین ۴۳
- «نماز شب»، در بیماری یا سفر یا میدان نبرد ۴۵
- ثواب «نافله شب» را جز خدا کسی نمی‌داند ۴۷
- آیا بس نیست همین یک آیه از قرآن؟! ۴۷
- اثر یک جمله جاندار ۴۸
- بهانه‌جوییها از ضعف ایمان است ۵۰
- نشان بهشتیان از دیدگاه قرآن ۵۳
- زنهار، از استغفار سحرگاهی محروم نمائی ۵۵
- پس کی بار سفر می‌بندید؟! ۵۷
- بانگ بیدارباش علی علیه السلام ۵۸
- حال آن امام بزرگ در دل شب! ۵۹
- امام صادق علیه السلام به هنگام شب ۶۳
- موعظه‌ای جالب ۶۴
- پر کردن خزانه‌های شبانه روز ۶۶
- «نماز شب» وسیله نجات از وحشت قبر ۶۸

- آن چه که نافع به حالم شد، رکعات وقت سحر بودا ۶۸
- از آمدن «شب» مسرور می شوم و از طلوع «صبح»، محزون! ۶۹
- زمستان، بهار «مؤمن» است! ۷۰
- اگر به ندای ملک موکل شب بیدار نشود! ۷۰
- دانایان «مغزدار» از نظر قرآن ۷۲
- حیوان صفتان کجا و انسان آگاه از «مبدأ» و «منتها»ی جهان کجا؟! ... ۷۶
- یکی از ویژگی های «عباد الرحمن» از نظر قرآن، «نماز شب» است. ... ۷۸
- «شب زنده داران» در کلام امام امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۹
- توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام در مداومت بر «نماز شب» ۸۱
- نشاط روحی انسان در «نماز شب» ۸۲
- * * *
- کیفیت «نماز شب» بصورت آسان و مختصر ۸۲
- شیطان خبیث، چگونه راهزنی می کند؟! ۸۴
- سنت خداوند کریم، «اعطاء کثیر بقلیل» است! ۸۷
- تمثیل یکی از آقایان علماء در این باب ۹۰
- تعجیل در «ناقله شب» نیز جایز است ۹۱
- قضای «نماز شب» بهتر از تعجیل در آن ۹۲
- توجه به این روایات از باب تشویق و ترغیب ۹۴
- * * *
- رعایت آدابى چند در قنوت نماز «وتر» ۹۸
- تمجید خدا و «صلوات» نیز از آداب دعا است ۱۰۰

■ استشفاع و توسل به اهل بیت رسالت علیهم السلام از اهم شرائط حرکت به

سوی خدا ۱۰۲

* * *

■ اهمیت «نافله صبح» ۱۰۵

■ ایکی هشدار و توجه!! ۱۰۶

■ ارتکاب گناه، از موانع شب خیزی است! ۱۰۸

■ پُر خوری نیز از موانع است و موجب مطرودیت از درگاه خدا است! ۱۱۰

■ پایان سخن، نمونه‌ای از ناله‌های پرسوز و گداز امام سجاد علیه السلام در دل

شب ۱۱۲

www.ketaboon.com

مقدمه

لذت عبادت

عبادت و راز و نیاز با معبود، آن هم در دلِ شب، برای «اهل دل» لذتی فوق لذت‌ها، و شیرینی‌ای خاص، وصف‌ناشدنی و قیاس‌ناپذیر دارد. آنان که توفیق رسیدن به کناره‌ای از این دریای بی‌کران نصیبشان گشته، و قطره‌ای از آن اقیانوس ژرف و بی‌پایان به ذائقه جانشان رسیده است، تمام دنیا و آنچه در آن است، در نظرشان پست‌تر از خاک زیر پا که می‌مالند و می‌گذرند، می‌آید؛ چنان‌که امامشان، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَنَعَ بِهِ الْأَعْدَاءُ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَعِيمُهَا وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلًا عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْوُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَتَعَمُّوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَتَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ مَعَ أَوْلِيَائِهِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أُنْسٌ مِنْ كُلِّ وَخْشَةٍ وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَخْذَةٍ وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ^۱ اگر مردم آن چه در «معرفه الله»^۲ و شناخت خدا از تعالی روح و

۱. وافی، ط اسلامیة، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳.

۲. «عبادت» در صورتی ارزنده است که از «معرفت» جوشیده باشد و موجب فراوانی آن

کرامت نفس و تقرب به نور عزّو جلال بی پایان را بدانند، هرگز به آنچه دشمنان از آن برخوردارند چشم نمی‌دوزند. از زندگی [پر زرق و برق] دنیا و نعمت‌های [جالب و دلربای] آن که هم‌چون شکوفه [و گل‌های بهاری] می‌درخشد و نیز دنیای آنان، در نزد اینان کم‌ارج تر می‌شود از آنچه زیرپای خود می‌مالند [و می‌گذرند]. پس به «معرفت خدا» متنعم می‌گردند و از آن لذت‌ها می‌برند؛ همانند لذت آن کس که همیشه در باغستان‌های بهشت با دوستان خدا بوده است. حقیقت آن است که شناسایی خدا، [ما به] انس از هر وحشت، یار غمگسار در هر [بی‌کسی و] تنهایی، نور در هر ظلمت، قوّت و نیرو در هر ضعف، و شفابخش از هر دردی است.

* * *

همچنین امام زین‌العابدین علیه السلام در یکی از مناجات‌های منسوب به حضرتش، به ساحت اقدس «حضرت معبود» عرضه می‌دارد:

«الاهي مَنْ ذَا الَّذِي ذاقَ خِلاوَةَ مَحَبَّتِكَ قَرَامَ حُكِّ بَدَلًا وَ مَنْ ذَا الَّذِي
أَنَسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَنَى عَنْكَ حَوْلًا؛ معبود من؛ کیست که شیرینی محبت را
چشیده باشد و آن‌گاه از تو روی گرداند و دیگری را به جای تو مقصد و
محبوب خود قرار دهد؟ و کیست که با قرب تو مأنوس گشته باشد و

گردد. حدیث اگرچه در باب «معرفت» است، ولی با توجه به این واقعیت، با بحث «عبادت» تناسب کامل دارد.

آن‌گاه آرزوی دل به دیگری بستن و به غیر تو پیوستن را به سرّ ضمیر خویشتن راه دهد؟

باز از آن حضرت در مناجات دیگرش نقل شده است:

«قَدْ كُفِّفَ الْغَطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ انْجَلَتْ ظِلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَ ضَلَّاهُمْ ... وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ الْإِنْسِ سِرُّهُمْ ... وَ اطْمَأْنَنْتَ بِالرَّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ ... وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ ... وَ رِيَحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ؛^۱ پرده از برابر چشم آن خدابینان کنار رفته، و ظلمت شک و ریب از عقائد و عمق جانسان بر طرف گردیده، سر و نهانشان در مجلس انس [یا معبودشان] شاد و خرم گشته، قلوبشان بر اثر بازگشت به «رب الارباب» آرامشی کامل به خود گرفته، دیدگانشان با نگاه به محبوبشان روشن شده و تجارتشان با فروش «دنیا» به قیمت «آخرت» تجارتمی سودمند آمده است.»

باز هم آن حضرت فرموده است:

«الاهى ما أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ! وَ مَا أَخْلَى الْقَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ! وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُكْمِكَ! وَ مَا أَغْدَبَ شِرْبَ قُرْبِكَ!؛^۲ خدای من! چه لذت بخش است خواطر الهام بخشی که با یاد تو بر دل‌ها می‌گذرد، و چه شیرین است سیر و سفری که با مرکب افکار نهان در راه‌های پنهان [از چشم کوتاه‌نظران] به سوی انجام

۱. بخش‌هایی چند از «مناجاة العارفين» از مناجات خمس عشرة، مفاتیح الجنان، ص ۱۲۷.

۲. بخش دیگری از «مناجاة العارفين».

می‌پذیرد، و چه پاکیزه و دل‌پذیر است طعم محبت، و چه دل‌نشین و خوشگوار است آب تقرب و نزدیک گشتن به ساحت اقدس.

به ویژه هنگام شب

آری هنگام "شب" برای خلوت با "محبوب"، راز دل گفتن با "معبود"، قرار گرفتن جان در رهگذر جذبه‌ها و خلسه‌های روح‌انگیز الهی و در نتیجه انجذاب روح و کنده شدن آن از زمین، اوج گرفتن آن در اعلائی آسمان، نزدیکی به کانون "جمال" و "بها"، و نیز عرض نیاز عاشقانه به درگاه "خدا"، فرصت بسیار مغتنمی است. به طور طبیعی بر اثر رهایی از چنگال جهان مادی، به سبب حایل شدن پرده ظلمت "شب" بین انسان و دیگر اشیاء نوعی "انقطاع" قهری از عالم برای انسان پیش می‌آید و آدمی به "فطرت" خود بازگشته و با "محبوب اصیل" خود دمساز و همراه می‌گردد.

انس علی علیه السلام با «شب»

در حالات امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که:

«كَانَ ... يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتِهَا وَ يَسْتَأْنِسُ بِاللَّيْلِ وَ وَحْشَتِهِ؛ آن امام بزرگ، از دنیا و مناظر زیبا و دلربای آن تنفر و وحشت داشت، اما به شب و تاریکی وحشت‌انگیز آن، دل‌بستگی و علاقه‌ای بس شدید اظهار می‌داشت.

آری، آن عابد عارف و دوستدار کامل حق، پیوسته انتظار آن می‌برد کی شود که وقت "شب" فرارسد، پردهٔ ظلمت "شب" بین او و دیگران حایل گردد و خلوت‌خانهٔ انس با حضرت معبود تشکیل شود، تا او بتواند با فراغت خاطر و آرامش دل، به راز و نیاز با خدایش بپردازد، اسرار ناگفتنی خود را با محرم اسرارش در میان بگذارد و التهابات درونی‌اش را با آب مناجات با سروردگارش فروشنشاند، و آن‌قدر بنالد و اشک بریزد تا با بدنی بی‌حرکت در کنار نخل‌های ساکت و خاموش بیابان بر روی زمین افتد.

* * *

وای از اسرار درون دل شب	شب، چه‌ها دیده به عالم یا رب
وصل‌ها دیده پس از راز و نیاز	هجرها دیده پُر از سوز و گداز
علی آن شیر خدا شاه عرب	الفتی داشه با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است	دل شب محرم سر الله است
شب شنیده است مناجات علی	جوشش چشمهٔ حب ازلی

شایستهٔ شأن پیروان علی علیه السلام !

بنابراین، شایستهٔ شأن پیروان (مکتب امام عارفین، علیهم السلام)، بر عمل به احکام شریعت، پیروی در امر تهجد، شب‌زنده‌داری و استغفار

سحرگامی است؛^۱ چنانکه آن حضرت در وصف پرهیزکاران از پیروان راستین خود فرموده است:

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهُ تَرْتِيلاً يُحَرِّنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ ... فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِّشُونَ لِجَنَابِهِمْ وَ أَكْمُهُمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكٍ رِقَابِهِمْ؛ چون شب فرارسد، آن [بیدار دلان] پاهاى خود را [برای قیام به عبادت و نماز] جفت کرده و کنار هم قرار مى دهند، درحالی که آیات قرآن را شمرده و آرام با فکر و تأمل و دقت تلاوت مى نمایند و با دلی شکسته و محزون، داروی دردهای [روحی] خود را در [تدبر] آیات قرآن مى جویند. سپس کمرها را [به رکوع در عبادت] خم کرده و پیشانی ها و کف دست ها و زانوها و سر انگشت پاها را [به حالت سجده] به خاک مى ساینند و [از این راه] از خداوند متعال، آزادی خویش را [از عذاب جهنم] مى طلبند.

۱. بدون تردید شیعه واقعی، کسی است که در ابعاد حیات اسلامی، با رعایت تمام حدود و شرایط زمانی و مکانی و دیگر ویژگی های فردی، اجتماعی، سیاسی و عبادی، چه در مابیل مربوط به دنیا و چه در مابیل مربوط به آخرت، پیرو مکتب اهل بیت رسالت علیهم السلام باشد؛ چنانکه ضمن یکی از بیانات امام امیرمؤمنان علیه السلام در وصف «شیعه» آمده است: «وَهُبَانٌ بِاللَّيْلِ أَشَدُّ بِالنَّهَارِ؛ شیعه من، پارسایان شب و شیران روزند» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۹۱، حدیث ۴۷).

البته چون این جزوه مختصر، به موضوع «نماز شب» اختصاص دارد، طبعاً بحث در دیگر مسایل اسلامی، خارج از موضوع آن خواهد بود و ما نیز به آن اشاره نمی کنیم.

ترغیب نسل جوان به «عبادت حق» وظیفه است!

اینک که به فضل الاهی، گرایش نسل جوان به خودسازی و پیشرفت در مسیر "نزدیکی به خدا"، آشکارا در جامعه اسلامی مان دیده می شود، در این شرایط، بدیهی است که هدایت و تشویق و ترغیب این نسل نوخاسته آماده ارتقا از هر راه ممکن و مشروع، از لوازم انسان دوستی و حق پرستی، و رمز علاقه مندی به ترویج اسلام و قرآن به شمار می آید.

از این رو، این حقیر سراپا تقصیر، این جزوه مختصر را که مجموعه ای است از آیات و روایات در فضیلت و آداب نماز شب، به منظور تذکر و تشویق آن دسته از بیدار دلان خدا جو که آمادگی دارند از این بُعد از ابعاد قرآنی نیز به "لطیف روح" و "تقریب جان" بپردازند، جمع آوری نمود، به امید آن که به لطف خدا اثری در دلی بگذارد و از آن اثر، رشحه ای هم عائد این نویسنده بینو گردد و در نتیجه، این کار بسیار کوچکش مورد قبول درگاه خداوند بزرگ و اولیای گرامش قرار گیرد که:

أَحَبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقَنِي الصَّلَاحَا

اللَّهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي شُقْنِ نَجَاتِكَ وَ مَتْنُنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَ اَوْرِثْنَا حَيَاضَ حُبِّكَ وَ اَذِقْنَا خِلَاوَةَ وُدِّكَ وَ تُزِيكِ وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ وَ هَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ وَ اَخْلِصْ نِيَاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ فَإِنَّا بِكَ وَ لَكَ وَ لَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ.^۱

۱. بخشی از «مناجاة المطمئین» از مناجات خمس عشرة، مفاتیح الجنان، ص ۱۲۳.

از برادران و خواهران ایمانی خود نیز التماس دعا و استغفار در
وقت سحر دارم.

سید محمد ضیاء آبادی

www.ketab.ir